

ماهنامه

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران



## يك سالگرد بزرگ

شاهان گذشته میگفتند «دولت یعنی من» خلق زحمتکش بگوید: «دولت یعنی ما». این آرزو در اتحاد شوروی وطن اکثبر و نخستین کشور سوسیالیستی جهان و نیز در دیگر کشورهای سوسیالیستی جامه عمل پوشیده است. سال آینده سده میلاد لنین است حزب ما بزودی به پذیرنده این سالگرد ارجحند خواهد رفت.

۹۹ سال از میلاد پیشوا و متفکر داهی انقلاب، ولادیمیر ایلیچ لنین میگذرد. وی تمام زندگی خود را وقف ایجاد زندگی نو و نظام نوینی ساخت که باسارت مادی و معنوی بشر خاتمه بخشید. لنین میگفت سوسیالیسم یعنی «ظهور يك نوع جدید دموکراسی، نوعی که در مقیاس تاریخ جهانی حائز اهمیت است» وی میگفت: «تا زمانیکه مالکیت در چنگ سرمایه دازان است هرگونه دموکراسی تنها سالوسی و استبداد بورژوازی است که برده بر چهره خود کشیده است.» وی میگفت دموکراسی واقعی زمانی است که بر خلاف آنچه

## بحران مناسبات ایران و عراق و مسئله شط العرب

ایران که یکی از متحدین پر و پا قرص خود را از دست داده بود برای این باصطلاح «ضایعه عظیم» يك هفته تمام عزاداری نمود. از این پس مناسبات دو کشور که دارای رژیمهای ماهیتاً متفاوتی شدند علیرغم برخی کوششها روز بروز تیره تر میگردد بحران کنونی شط العرب یکی از مظاهر آن است. دنباله در صفحه ۷

مناسبات ایران با کشور همسایه ماعراق همواره تابع رژیمهای حاکم در دو کشور و سیاست هائی بوده است که زمامداران ایران و عراق تعقیب مینموده اند. در دوران سلطه عبدالاله و نوری سعید در عراق مابین دو رژیم سلطنتی همگون همیشه بهترین و دوستانه ترین مناسبات حکمفرما بود. زمامداران دو کشور بیاری هم جنبش ملی کرد را در دو طرف مرز سبانه سر-کوب میکردند با رهبری و مداخله امیرالایسم پیمانهای تجاوزی نظامی سعدآباد و بغداد یکی پس از دیگری انعقاد مییافت، کوئی هیچ حقی از ایران سلب نمیکردید و همه چیز سیر طبیعی خود را می پیسود و جای هیچگونه نگین نبود.

با انقلاب چهارده توموز ۱۹۵۸ در عراق و برچیده شدن بساط خاندان هاشمی یکی از مطمئنترین پایگاه های امیرالایسم و ارتجاع جهانی در خاورمیانه در هم فروریخت، دربار

## حکومت ایران

### به امیرالایسم وفادار است

روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۹ رادیو لندن جریبات مصاحبه مطبوعاتی جالبی را که با «ادوارد هیت» رهبر حزب محافظه کار انگلستان هنگام بازگشت او از سفر چهارده روزه ای بخاور میانه و خلیج فارس بعمل آمده منتشر کرد. این مصاحبه از این جهت جالب است که بیش از پیش ماهیت شیانت مستقل ملی، حکومت ایران را افشا میکند و بر ادعای دروغ شاهانه خط بطلان جدیدی میکشد. هیت، در این مصاحبه اعلام داشت که: «اگر ما در انتخابات آینده پیروز شویم... بار دیگر با دوستان خود بمذاکره خواهیم پرداخت و اگر مطمئن شویم که همه مایلند ما در منطقه خلیج فارس باقی بمانیم همین کار را خواهیم کرد... باید دانست که هیچکس از دولت انگلستان در خواست نکرده بود از خلیج فارس خارج شود، یکی از دوستان انگلستان شاه و حکومت ایران است به بینیم نظر و میل این دوست چیست؟ شاه باصراحه نظر خود را به سردبیر دنباله در صفحه ۵

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

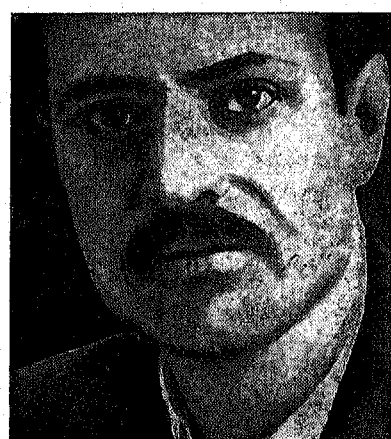
مرکزی «مقارن است لذا بیجا میدانم از این جنبش مهم سندیکائی کارگران ایران و خدماتش باجمال یاد کنیم؛ ۲۵ سال پیش در روز اول مه کارگران ایران با تشکیل «شورای متحده مرکزی» پیروزی بزرگی بدست آوردند. پس از تشکیل «شورای متحده مرکزی» جنبش سندیکائی دامنه باز هم بیشتری کسب کرده دنباله در صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه روز همبستگی بین المللی زحمتکشان سراسر جهان بشما شادباش میگویید. زحمتکشان ایران در شرایط گوناگون گناه نمان گناه آشکار جشن اول ماه مه را بر گزار کرده اند. امسال جشن اول ماه مه با ۲۵ مین سال تأسیس «شورای متحده

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره حوادث مرزی «دامانسکی»

کرداند. شایان توجه است که فتنه انگیزی مسلحانه مرزی از طرف گروه مائو مقارن تشکیل جلسه غیر قانونی مجلس آلمان غربی در برلین غربی و در آستانه باصطلاح کنگره نهم حزب کمونیست چین انجام گرفت. هدف این عمل از سوئی مغالزه با امیرالایزم و از سوئی تدارک زمینه معنوی ضد شوروی برای کنگره نهم مائونیست ها در چین بود. تجاوز مرزی چین در عین حال در آستانه تشکیل کمیسیون تدارکی احزاب برادر در مسکو روی داد. روشن است که یکی از هدف های آن جلوگیری از تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب برادر است. پیدایش اختلاف مرزی بین دو کشور سوسیالیستی غیر مفهوم نیست ولی غیر مفهوم است که کسانی که دنباله در صفحه ۵

اخیراً گروه مائوتسه دون دست به عمل فتنه انگیزانه تازه ای زده است بدین معنی که در ناحیه جزیره «دامانسکی» واقع در شط مرزی «ئوسوری» دو بار دستور حمله مسلحانه علیه مرزبانان شوروی داده است. این هجوم مسلحانه که با اعمال قساوت نسبت بمرزبانان شوروی همراه بوده از طرف این مرزبانان عقب زده شده است. گروه مائو بعدها کوشید واقعت را واژگون کند و باتکاه دعاوی ارضی یکجانبه اتحاد شوروی را به نقض مرز های خود متهم



زندگی روزبه میتواند برای نسل بالنده برای همه جوانان، برای همه مجاهدان سر مشق باشد: عشق به مردم، احترام به علم، تلاش شبان و روزان برای خدمت بجامعه، اراده بی ترنزل در بیکار، ایمان بولادین به آرمان، شفقت و محبت به یازان و مبارزان. (بمناسبت یازدهمین سالگرد شهادت روزبه)

## استعمار جمعی

### در نفت ایران گسترش مییابد

اخیراً دو قرارداد جدید نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای نفتی خارجی بسته شده است. طبق اطلاعات منتشره در روزنامه های دولتی مختصات این دو قرارداد بقرار زیر است:

- ۱- قرارداد با کنسرسیوم اروپائی - این کنسرسیوم مرکب است از کمپانی «اراب» فرانسوی که يك شرکت دولتی است با ۳۲ درصد سهام - کمپانی «هیسپانول» اسپانیائی که يك شرکت مختلط دولتی و خصوصی است با ۲۰ درصد سهام - کمپانی «پتروفینا» بلژیکی که يك شرکت خصوصی است با ۱۵ درصد سهام - کمپانی «آجیب» ایتالیائی که يك شرکت دولتی است با ۲۸ درصد سهام - کمپانی «او-ام-و» اطریشی با ۵ درصد سهام. منطقه فعالیت کنسرسیوم اروپائی در جنوب استان فارس و سه میل از خلیج فارس است که ۲۷۲۶۰ کیلو متر مربع را در بر میگردد. مدت قرارداد از تاریخ شروع بهره برداری تجاری تا ۲۵ سال است.
- ۲- قرارداد با شرکت نفتی کنتینانتال - این شرکت امریکائی است. منطقه فعالیت آن در شمال بندر عباس است که ۱۲۸۶۱ کیلو متر مربع را در بر میگردد. مدت قرارداد دنباله در صفحه ۶

# گسست از اردوگاه سوسیالیسم (در اطراف حوادث مرزی شوروی و چین)

در اوایل مارس خبر گزارها از زد و خوردی که در تاریخ دوم ماه مارس بین نیروهای مرزی شوروی و چین رخ داده بود خبر دادند که مقیاس آن از یک برخورد مسلحانه مرزی تجاوز نموده موجب تلفات نسبتاً سنگینی شده است.

طبق خبر خبرگزاری شوروی و اسنادی که در این زمینه انتشار داده شد باعث زد و خورد حمله از پیش آماده شده نیروهای نظامی چین بوده است که در حدود بیش از یک هنگ در مرز خود روبروی جزیره دامانسک تمرکز داده و حملات خود را با آتش توپخانه و مین انداز پشتیبانی میکردند. نظیر این حمله با شدت بیشتر در تاریخ ۱۴ - ۱۵ ماه مارس تکرار شده است و با اینکه اکنون ظاهراً آرامش برقرار است سیر آینده حوادث را نمیتوان پیش بینی کرد. بدیهی است زد و خورد مسلح بین دو کشور سوسیالیستی واقعه ایست آتشد غیر طبیعی و دور از انتظار که نمیتواند توجه افکار عمومی را اعم از دوست و دشمن بخود جلب نکند. رادیو و مطبوعات بکن مانند همیشه با تمام قوا و امکانات خود میکوشند حادثه را دگرگون جلوه دهند و مسئولیت وقوع آنرا متوجه اتحاد شوروی بکنند. ولی واقعیاتی هست که خود زبان دارند و با هیچ منطقی نمیتوان جلوی آنها پرده کشید. از آنجمله است وقایع اخیر مرزی شوروی و چین. حتی نظر سطحی به محیط سیاسی ای که این حوادث در درون آن روی داده است برای روشن شدن حقیقت کافی است.

حادثه دوم مارس هنگامی رخ داد که :  
(۱) بحران بران در نتیجه پروکاسیون آلمان غربی و تصمیم آن دولت به برگزاری جلسه انتخاباتی رئیس جمهور در بران غربی شدت یافته بود ؛

(۲) بحران در خاور نزدیک در نتیجه پروکاسیونهای اسرائیل رو به تشدید بود و سرگرم شدن شوروی در خاور دور میتواند موجب تضعیف موضع کشورهای عربی گردد ؛

(۳) ناتو نیروهای خود را در دریای مدیترانه علیه شوروی تقویت نمود ؛

(۴) در مذاکرات صلح پاریس امریکائیان و نمایندگان ویتنام جنوبی احتیاج به تقویت موضع خود داشتند ؛

(۵) نیروهای فاشیستی در آلمان غربی بیش از پیش سر بلند میکردند و بالاخره

(۶) پس از چند سال تهیه و تدارک جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری میرفت که صورت عمل بخود بگیرد .

مجموع این اوضاع و احوال حتی برای آنهایی که به مابیت انترناسیونالیستی و علاقه شوروی به حفظ وحدت در اردوگاه سوسیالیسم پی نبرده اند در صورت قضاوت غیر مغرضانه نمیتوانست روشن کننده نباشد بویژه اگر به

نتایجی توجه کنیم که از این رویدادها بدست آمده و یا ممکن بود بدست بیاید. چنانکه: اعتراضات شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی توأمأ با ابراز ناراحتی و مخالفت های معاف خارجی و داخلی خود آلمان فدرال در اواخر فوریه ترانزیل در تصمیم این دولت در باره گنرادندان جلسه انتخاباتی رئیس جمهور در بران غربی وجود آورده بود ولی حادثه درم مارس آنرا برطرف ساخت و مخالفت ارتجاعی آلمان غربی را در اجرای تصمیم خود معصوم نمود ؛ امکان آن بود که تشنج و اختلافی در جلسه تدارک مشاوریه احزاب برادر که در ماه مارس تشکیل میشد رخ بدهد - موضوعی که همواره از جانب بکن دامن زده میشد و احتمالاً در این مورد هم یکی از هدفهای گروه مائوتسه دون بوده است؛ بسته شدن مرز چین و جلوگیری از ارسال مهمات شوروی به ویتنام موضع امریکا و سایگون را در مذاکرات پاریس تقویت مینمود . . . الخ

با هر منطقی که بسنجیم خواهیم دید که خواه از نظر سیاست داخلی و خواه خارجی با یک پروکاسیون آماده شده ای از طرف بکن روبرو هستیم .

از نظر داخلی وقایع اخیر مرزی دنباله منطقی سیاستی است که طی ده ساله اخیر نخست با احتیاط و سپس آشکارا از جانب مائوتسه ها دنبال میشده است . آنها با تعقیب سیاست ضد شوروی در صدد بودند توجه مردم کشور خود را از شکستهایی که در اجرای سیاست جهش بزرگ و تشکیل کون ها دچار شده بودند منحرف سازند . این شکستها عدم رضایت شدیدی میان کادرها و فعالین حزبی برانگیخته و یگانه راهی که در این سرانگشاید برای گروه مائوتسه دون باقی مانده بود يك كکردن حزب از عناصر آگاه و طرفداران اصلاح اشتباهات و ادامه همکاری با سایر کشورهای سوسیالیستی بود. «انقلاب فرهنگی» از اینجا منشأ میگرفت و باید گفت که از این نظر واقعاً «پروزی» ادعای این «انقلاب» کامل است . طی سه سال «انقلاب فرهنگی» حزب کمونیست چین از کادرهای درجه اول تا مسئولین کوچک ترین سازمانها «تصفیه» و در حقیقت تارومار گردید ؛ در آستانه گذرگه نهم که پس از ۱۳ سال فاصله از گذرگه هشتم و سه سال تلاش از طریق «انقلاب فرهنگی» و برقراری کنترل ارتش بر همه سازمانهای حزبی با عجله هر چه تمامتر برگزار گردید گروه مائوتسه دون هنوز بحق نگران اوضاع داخلی چین بود .

برای انتخاب نمایندگان گذرگه که از اکتبر سال گذشته اقدام شده بود تا فوریه سال جاری تنها در ۸ استان از ۲۹ استان توانستند کفرانهای استان را تشکیل دهند و بالاخره نمایندگان گذرگه برحسب

«خدماتی که در راه اشاعه اندیشه های مائوتسه دون انجام داده بودند» انتصاب شدند . در نواحی متعددی از کشور آرامش بوجود نیامده بود. چنانکه اکنون مقاومت درمواردی بطور متشکل ادامه دارد . گروه هایی از کارگران و دهقانان که قادر به تحمل فشار های وارده نیستند «کمیته های انقلابی» یا بهتر بگوئیم مأمورین ارتش را مورد حمله قرار داده به کوه ها پناه میبرند . مثلاً بطوری که خبرگزاری ها اطلاع میدهند در شهر یاکو در ناحیه یون نان دو هزار نفر به سرباز خانه حمله ور شده پس از تصاحب اسلحه سربازان به کوه زده اند . در استان گواندون سازمانهای ضدمائوتسه وجود آمده که یکی از آنها بنام «کمیته ملی نجات» متشکل از کارگران و دهقانان در اوراق منتشره مردم را دعوت به برانداختن مائوتسه دون کرده است . در ناحیه اسواتوو گروه بزرگی از مخالفان مائوتسه تحت نام «حزب دموکرات کارگران و دهقانان» دست به فعالیت زده است .

طبق نقشه مائوتسه دون و گروهش گذرگه نهم حزب میبایست بهر قیمتی قبل از تشکیل جلسه مشاوریه احزاب برادر که قرار بود در ماه مه در مسکو برگزار شود وجاسه تدارک برای آن برای ماه مارس پیش بینی شده بود تشکیل شود تا در تصمیمات گذرگه هشتم که با روح مارکسیستی و انترناسیونالیسم و بر پایه همکاری برادرانه با کشورهای سوسیالیستی اتخاذ گردیده بود بفتح سیاست ماجرا جویانه فعلی این گروه تجدید نظر بعمل آورد. منظور از پروکاسیونهای مرزی و طرح دعای ارضی را بطور عمده باید ایجاد هیجان ناسیونالیستی و محیط مناسب برای اجرای این سیاست دانست که در عین حال از نظر زمانی بتجوی تهیه شده بوده است که احتمالاً در جلسه تدارک مشاوریه احزاب برادر هم تشنج و اختلافی ایجاد کند .

سیاست دعای ارضی بکن همانند همان سیاست «منطقه حیاتی» است که همواره میلیتاریسم آلمان در جهت بسط سر زمین خود تا کوههای اورال تعقیب میکرد و به وقع بارها از طرف حزب کمونیست چین و خود مائوتسه دون محکوم شده بود .

بکن مدعی سر زمینی به مساحت شش میلیون کیلومتر مربع (اندکی کمتر از چهار برابر ایران) است که همه آن اراضی از منتهای دیگر مسکونند و این سوای مغولستان و قسمتی از آسیای میانه شوروی است که آن نیز مورد ادعا است . این ادعا هنگامی طرح میشود که اراضی واقعاً متعلق به چین و مسکون از چینی ها از قبیل جزیره تابوان، هنگ کنگ، کدنگ، ماکائو در مقابل باچی که از عوائد فحشاء ، قمار ، قاچاق مواد مخدره به چین داده میشود ، در اختیار امپریالیست ها و حتی پایگاه آنها در جنگ علیه مردم قهرمان ویتنام است .

خود بخود این پرسش پیش میاید که اگر ادعای مرزی بین کشورهای سوسیالیستی مجاز است چرا مغولستان داخلی نباید جزیره کشور سوسیالیستی مغولستان باشد ؟ چرا

سرزمین های متصل به کره شمالی که ۱۶ میلیون کره ای در آن سکونت دارند نباید به کشور سوسیالیستی کره مسترد گردد ؟ و آیا اگر میتوان به اعماق تاریخ رفت چرا کاشتر نباید مورد ادعای ایران باشد ؟ و یا اصلاً چرا مرز واقعی را دیوار بزرگ چین نباید تشکیل دهد ؟

بدیهی است که اینها هذیانی بیش نیست و اگر در همین حد هذیان باقی میماند قابل توجه نمی بود . ولی اهمیت موضوع اینجاست که سیاستمداران بکن این دعاوی را با آگاهی به عواقب آن و استفاده ای که متجاوزترین امپریالیست ها از آن خواهند کرد مطرح میکنند ، و این آبی است که دانسته به آسیاب امپریالیسم ریخته میشود و هیچگونه توجیهی نمیتوان برای آن یافت . این دعاوی به انتقام جویان آلمان غربی امکان داده است بیش از پیش در سیاست تجدید نظر در مرزهای پس از جنگ و شکستن این مرزها با فشار باشند . روزنامه آلمان غربی «فرانکفورتر آلگه ماینه» ضمن تفسیر اخبار مربوط به وقایع اخیر مرزی شوروی و چین رسماً مینویسد که مرزهای فعلی اروپا هم نمیتواند قطعی و قابل تحمل باشد . روزنامه نشو فاشیستی «ناسیونال تساوتونگ» با خوشحالی و شغف به خوانندگان خود مژده میدهد که اکنون دیگر در مطبوعات چین هم به اصطلاح «منطقه اشغالی شوروی» بجای جمهوری دموکراتیک آلمان برمیخوریم .

امریکا و آلمان غربی اکنون بیش از همه در انتظار بسط حوادث در خاور دور هستند ، زیرا بسط این حوادث در جهت سیاستی که گروه مائوتسه دون پیش گرفته است آینده امید بخشی را بآنها نوید میدهد ؛ امکان گامیابی هایی در ویتنام برای امریکا ، رسیدن به هدف های انتقامجویانه برای مان غربی . روزنامه فرانسوی «لاتریبون د ناسیون» از مطالعه این حوادث چنین نتیجه میگیرد که آلمان غربی در انتظار يك تصادم آشکار بین شوروی و چین میباشد ، زیرا چنین تصادمی دست آنرا در سیاست اروپائیش باز خواهد کرد . هم اکنون با بسته شدن راه خشکی رساندن کمک به ویتنام و اعلام حکومت هندوستان دائر به عدم اجازه پرواز هواپیما های حامل مهمات جنگی برای ویتنام از آسمان این کشور آرامش خاطری برای امپریالیسم امریکا ایجاد شده است .

اینکه سیاست کنونی ضد شوروی بکن در موازات سیاست خارجی امریکا و آلمان غربی قرار گرفته است جای تعجب نیست . تبلیغات بکن از مدتی پیش شوروی را دشمن درجه يك خود اعلام داشته است . منطق مبارزه با دشمن درجه يك که استراتژی کنونی گروه مائوتسه دون است سازشهای تاکتیکی با دشمنان دیگر را که آنها نیز شوروی را بحق دشمن درجه يك خود میدانند مجاز میکند .

مجله آلمان غربی «اشترن» اخیراً نوشت که «در سیاست خارجی اکنون چین متفق نوین حکومت فدرال است» و «طبق اطلاعی که دنباله در صفحه ۳

# گسست از اردوگاه سوسیالیسم (در اطراف حوادث روزی شوروی و چین)

دیپلمات های غربی به حکومت بن داده اند اخیراً یکس شدت از تبلیغات ضد جمهوری فدرال کاسته است و روزنامه فاشیستی «ناسیونال سوسیالیستیک» اعلام کرد که «پکن برای سیاست حقیقی آلمان شانس بزرگی است... چین آلمان را نجات میدهد» از همین زاویه باید پیشنهاد چندمی پیش پکن را برای مذاکره با آمریکا تجزیه و تحلیل کرد. گو اینکه این مذاکره بواسطه فرار کاردار و مأمور مخصوص چین از هلند و پناه یافتن در آمریکا متوقف ماند ولی آنرا نمیتوان مشتقی شمرد. علامت تجدید نظر در سیاست آمریکا نسبت به چین را آشکارا نیز میتوان دید. از آن جمله است موافقت حکومت نیکسون با برداشتن محدودیت بازرگانی بین آلمان غربی و چین که روزنامه آلمان غربی «دی ولت» سرمقاله بیستم ماه مارس خود را بآن تخصیص میدهد و یا پیشنهاد سناتور ککندی دایر به تجدید نظر در سیاست نسبت به چین پذیرش چین در سازمان ملل متفق و بیرون بردن واحدهای امریکائی از تایوان (روزنامه تایمز ۲۲ مارس ۱۹۶۹). هم اکنون آلمان غربی پس از ژاپن مقام دوم را در بازرگانی با چین احراز کرده است. و در این معاملات وسیع سهم بزرگت را بعقیده روزنامه فنلاندی «کانزان اون تی زت» اسلحه و مهمات جنگی تشکیل میدهد. عده ای نیز کارشناس از آلمان غربی برای کار در چین دعوت شده اند که طبق اطلاع روزنامه بلغاری «راوتنی چسکی دلو» بین آنها دو نفر کار شایسته شوکت سازی میباشند بنام ولگا کازنگ پیلتس و برتولد سیی گسر. جای تعجب هم نیست اگر آلمان غربی از حیث اسلحه و مهمات و کارشناس به چین کمک کند مگر نه اینکه اشتراکاتس وزیر دارائی و طرفدار متعصب سیاست تلافی جویانه آلمان غربی با اشاره به چین گفت: دشمنان دشمن من دوستان من هستند؛ روزنامه ژاپنی «نی هون کیزاهی شیمبون» از قول خیر گزار خود از بن مینویسد: «اکنون تجدید نظر در مورد مناسبات آلمان غربی و پکن در دستور روز دولت آلمان غربی است».

اگر در پندو تیرگی روابط بین چین و سایر کشورهای سوسیالیستی پکن مدعی بود که موجب آن اختلافات ایدئولوژیک است وقایع اخیر در پوچ بودن این ادعا تردیدی باقی نگذارده اند. اکنون گسست کامل گروه مائوتسه دون با اردوگاه سوسیالیسم برای همه عیان است.

بد نیست چند کلمه ای از زبان وان مین یکی از رجال حزب کمونیست چین در باره ماهیت ضد مارکسیستی سیاست مائوتسه دون بشنویم. وان مین عضو سابقه دار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۵ مقام دبیری کمیته مرکزی

را نیز عهده دار بوده است و اکنون دور از مین خود بسر میرسد. وی در روزنامه کمونیستی «کانادین تریبون» مقاله مفصلی منتشر ساخته که در آن مائوتسه دون را متهم میسازد به اینکه حزب کمونیست و ارگانهای انتخابی حکومت چین را داغان نموده و ارتش رها بخش مئی را آلت بلا اراده اجراء مقاصد خود ساخته است. وان مین مینویسد که «دست آورد های انقلاب چین در معرض نابودی کامل است، ساختمان سوسیالیسم در معرض تلاشی است. گروه مائوتسه دون چین را به آتیجان راه تاریکی انداخته است که انتهای آن ارتجاع سیاسی، ورشکستگی اقتصادی، انحطاط فرهنگی و فقر است.»

وان مین مینویسد که واقعات اخیر سقوط نفرت زائی را نشان میدهد که ماجراهای ضد شوروی و ضد کمونیستی بوجود آورده است. در واقع هم سیاست ماجراجویانه گروه مائوتسه دون حزب و مردم چین را در سرا شیب تند و خطرناکی قرار داده است. تنها بکمک زور، فریب و ایجاد احساسات شونیستی است که این گروه هنوز میتواند بکار خود ادامه دهد. مقاومت سه ساله مردم چین در مقابل «انقلاب فرهنگی» و ماجراهای دیگر این گروه نشان داد که تحمیل چنین سیاستی و پنهان داشتن خطرات آینده آن چندان آسان نیست.

طی مدت بیست سال که از پیروزی انقلاب چین میگذرد مردم چین فرصت تشخیص داشته و باز هم خواهند داشت که تا چه اندازه برای ساختمان سوسیالیسم در چین و برای مبارزه با دشمن واقعی و آزمند چین یعنی امپریالیسم احتیاج به کمک همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و وحدت عمل با این کشورها دارند.

پیروزی انقلاب چین و نخستین دست آورد های این انقلاب بکمک اتحاد شوروی و سپس کشورهای دیگر سوسیالیستی بدست آمده است. بی ریزی تقریباً همه صنایع معاصر چین از آنجمله صنایع اتمی آن با کمک مستقیم اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی انجام شده است. اینها مسائلی است که مردم چین برای العین دیده اند و بیش از پیش به اهمیت آن پی میبرند.

تردیدی نیست که کمکهای بیدریغ و احساسات برادرانه ای که دولت اتحاد جماهیر شوروی چه برای پیروزی انقلاب چین و چه در مورد ساختمان سوسیالیسم نسبت بخلق چین ابراز داشته است و همچنین سیاست صلح جویانه ای که دولت شوروی برای حل مسائل مورد اختلاف تعقیب میکند سر انجام فریب کاریها و سیاست ماجراجویانه گروه مائوتسه دون را در برابر تمام توده های زحمتکش چین آشکار خواهد ساخت.

ع. ص.

# روستای ایران در تنگنای دشواریها

در باره «دگرگونی» روستای ایران و تحول زندگی دهقانان تبلیغات رژیم دغلوئی فراوان دارد. اما واقعیت آنست که هفت سال پس از آغاز اصلاحات ارضی و در پایانب کار فروش زمین به دهقانان روستای ایران با مشکلات فراوان روبروست. از یک طرف هنوز قریب نیمی از خانوار های دهقان مشمول خرید زمین نشده اند و بعنوان مستاجرا بزرگ و کارگر کشاورزی در اراضی متعلق به مالکان زمینهای خلاصه و موافقه شده کارشان غارت میشود و از طرف دیگر پرداختهای سنگین بعنوان قسط زمین آب بها مال الاجاره حق السهم شرکتهای تعاونی بهره وام کمبود و یا فقدان کامل کمکهای اعتباری نداشتن راد مدرسه درمانگاه عرصه را بر اکثریت دهقانان تنگ کرده است. در سالی که گذشت وقوع زلزله در خراسان و سیل در مازندران گیلان خوزستان و آذربایجان غربی و شرقی موجب شد که هزاران خانوار روستائی از هستی ساقط شوند. در گیلان چندین دهکده به زیر آب رفت. در آذربایجان غربی ۳۵۰ قریه در محاصره سیل قرار گرفتند و کشت پائیزه کشاورزان رضایه و دیگر نقاط این استان از بین رفت و کشت بهاره نیز برای دهقانان دیگر مقدور نیست. (کجهان ۱۸ فروردین ۴۸) ۴۵ قریه در آذربایجان شرقی ویران شد (کجهان ۱۶ فروردین ۴۸) زمستان سخت بر رفاهی معتمد و باراندگیهای شدید سبب گردید که در بسیاری از نقاط کشور احشام دهقانان تلف شوند و یا محصول دهقانان نابود گردد. از جمله در خراسان ۳۰۰ هزار تن چغندر که نیمیبه زحمات شبانه روزی عده کبیری از دهقانان بود بر اثر سرمای شدید از بین رفت و علاوه بر این کارخانجات قند از دادن کود و بشر و مساعده به دهقانان به بهانه اینکه چغندر تحویل نداده اند خود داری مسخره اند و دولت هیچگونه حمایتی از دهقانان ننموده است. برخی از کارخانجات پنبه در شمال نیز تحت این عنوان دهدهقانان باید بشر را نقدا خریداری کنند از تحویل پنبه به دهقانان بنده کار امتناع نموده اند. در شرایطی که دولت منابع کلانی بعنوان بهای زمین و یا وام و کمک بمالکان پرداخت میکند هیچ مقامی بفرکر دهقانان تیره روز و دفاع از آنان نیست.

ایجاد یک بل و ساختمان چند متر جاده در دورانی که بشریت راه بر آسمان گشوده خواست میرم غالب روستائیان ماست. مثلا دهقانان دعات شاهپور در آذربایجان بعلت نبودن جاده نمیتوانند محصول خود را به بازار عرضه کنند (اطلاعات ۳۰ بهمن ۴۷) دهقانان کیان آباد و تیمور آباد واقع در خرم آباد سالها است که تقاضای ساختمان یک بل دارند زیرا هر سال با بالا آمدن آب رودخانه برای چندین ماه ارتباطشان با دنیای خارج قطع میشود و در نتیجه محصول یکساله شان به بازار نمیرسد.

فقدان و یا کمبود وام و کمکهای اعتباری مشکل دیگر دهقانان است. بگفته وزیر اصلاحات ارضی ۱۷۰۰۰۰ خانوار روستائی هنوز عضو شرکتهای تعاونی نیستند و بنا بر این کوچکترین کمکی بانها نمیشود دهقانانی که با پرداخت حق السهم بمضویت شرکتهای تعاونی فر آمده اند در اکثریت خود از کفای نبودن وامها و یا امتناع شرکتهای از پرداخت وام شکایت دارند. برای نمونه از دهقانان یکی از دعات اطراف رشت نام میبریم که شرکت تعاونی شان تحت این عنوان که سرمایه شما کم است و بانک کشاورزی رشت به بهانه اینکه شما عضو شرکت های تعاونی هستید از پرداخت وام به دهقانان امتناع می کنند. فقدان وام و اعتبار کلانی موجب شده که دهقانان همچنان در دام ربایخواران و سلف خر ها اسیر باقی بمانند. رئیس کل بانک کشاورزی آقای رضا صدیقی اعتراف میکند که سهم سازمانهای اعتباری بیش از ۳۰ الی ۴۰ درصد وامهای دریافتی دهقانان نیست و بدین ترتیب ۶۰ تا ۷۰ درصد وام مورد نیاز دهقانان بوسیله ربا خواران و در ازاء دریافت بهره های سنگین تأمین میشود. رئیس بانک کشاورزی تأیید میکند که نرخ بهره در برخی موارد بیش از ۴۰ درصد است. وی میگوید: مقروض بودن یکی از مشکلات زندگی روستائیان است (مجله بانک مرکزی مهر ۱۳۴۷).

سیاستی که دولت تاکنون در روستا دنبال نموده است نه در جهت حمایت و تقویت دهقانان بلکه در جهت حمایت از مالکان سرمایه دار و سرمایه داران مالک بوده است. اعتبارات کشاورزی بطور عمده اختصاص به واحدهای بزرگ دارد و حواله دهقانان به شرکتهای تعاونی داده شده که سرمایه کافی ندارند و قادر به رفع نیازمندیهای مالی و فنی دهقانان نیستند.

برای حل مشکلات فراوانی که در برابر توده زحمتکش دهقانان وجود دارد مبارزه متحد آنان ضروری است. شک نیست که خواستههای دهقانان در یک منطقه یک ناحیه و گاه حتی در یک ده متفاوت است ولی همیشه بیش کشیدن مبرهترین شعار های روز که برای ساکنان یک یا چند ده مشربک است میتواند نیروی هر چه بیشتری را بسیج و به میدان مبارزه بکشاند. وظیفه طبقه کارگر روشنفکران مترقی سازمانهای دموکراتیک و دهقانان پیشرو است که در تجهیز و تشکیل بیش از پیش برادران روستائی خود و جلب آنان به مبارزه مشربک در راه پیشبرد خواستههایشان اعم از خواستههای کوچک و صغی و یا خواستههای بزرگ و طبقائی گوش و زرنند. مثلا دهقانان بدون زمین را میتوان با شمار لزوم دهقانانی را زمین های اربابی به دهقانان بسپار نمود. دهقانانی را که زمین خریداری اند با شمار عدم پرداخت اقساط زمین و قشر های وسیعتری از دهقانان را با شمار لزوم توسعه و تقویت شرکتهای تعاونی از طرف دولت و پرداخت وام ارزان به همه دهقانان به مبارزه جلب کرد. پیروزی هر شمار هر قدر محدود مثلا حتی تأسیس مدرسه و درمانگاه ساختمان جاده و بل در تشکیل بیشتر دهقانان تأثیر فوق العاده دارد. باید از هر زمینه مساعدی برای تجهیز دهقانان استفاده نمود.

میتو

تسلیم

آغاز سال نو برای دانشجویان ایرانی با دو حادثه تأسف آور همراه بود. در دوم فروردین ماد اتومبیل حامل پنج دانشجوی ایرانی در نزدیکی گراتس (اتریش) تصادف کرد و منجر به قتل سه نفر: شهین فرجاد پرویز رفیعی و شاهرخ ریاضی گردید. در ۷ اردیبهشت اتومبیل حامل فقی بلوربان تصادف کرد و موجب مرگ وی شد.

ما مرگ جانگداز این دانشجویان را که بعلت فعالیت ترقیخواهانه خود محبوب و مورد احترام همه دانشجویان بوده اند، به بازماندگان آنها و اتحادیه دانشجویان ایرانی در گراتس و همه دانشجویان ایرانی صمیمانه تسلیت میگوئیم. ما مطمئنیم که دانشجویان ترقیخواه ایرانی با پیروی از سرمشق آنان خاطره دانشجویان فقید را همواره زنده و گرامی خواهند داشت.

تغییر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ماهنامه مردم مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

# یک سند مهم حزب ما

## تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

یاد آوری از یک  
تصمیم پلنوم

چنانکه خوانندگان ارجمند ما ماهنامه «مردم» اطلاع دارند

در آمیختن آنها با سرمایه انحصاری خارجی رفته رفته سدی در برابر رشد موزون اقتصادی کشور ما فراهم میگردد و پیوسته رشد اقتصادی را ولو بصورت سرمایه داری آن، مسخ و محدود میسازد.

پس از این نتیجه گیریها در سند تحولاتی که در آرایش طبقاتی جامعه روی داده مورد بررسی قرار میگردد و از آن تحولاتی که در پایگاه طبقاتی حکومت و سلطنت حاصل شده نتیجه گیری میگردد. سند جهات ضد دموکراتیک سیاست داخلی رژیم و تقلاهای عبث وی را برای مستور ساختن این ماهیت ضد دموکراتیک افشاء میکند و پیوند سیاست خارجی رژیم را با منافع امپریالیست ها نشان میدهد و سیاست خارجی رژیم را مورد تحلیل افشاگرانه ای قرار میدهد.

بخش نهائی سند، نتیجه گیری از این تحلیل و تعیین وظایف مبرم حزب ما در مرحله کنونی است که آنرا با تلخیص نقل میکنیم زیرا بمشابه نتیجه گیری عمومی سند دارای اهمیت ویژه است.

وظایف مبرم  
حزب ما  
در مرحله کنونی

در سند مصوب کمیته مرکزی چنین میخوانیم: «بدیهی است هدف غائی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر کشور ما عبارت از استقرار نظام سوسیالیستی است ولی در مرحله کنونی انقلاب ایران که هنوز تضاد با امپریالیسم و بقایای فئودالیسم حل نشده است پیش کشیدن شعار سوسیالیستی بمنزله پیش تاختن در عرصه است که از محیط واقعیت جامعه کنونی ایران خارج است. اکنون کشور ما در مرحله ملی و دموکراتیک انقلاب اجتماعی قرار دارد یعنی

انقلابی که هدف آن عبارتست از انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی (سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، ملاکان عمده و قشر بوروکراتیک سرمایه داری) بدست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک؛ کارگران (اعم از مزد بگیران شهری و روستائی)، دهقانان، سایر زحمتکشان شهری که قشر مهمی از روشنفکران و کارمندان ادارات و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و بازرگانی را دربر میگیرد - خرده بورژوازی و سرمایه داری ملی) و محتوی آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، خاتمه دادن بوابستگی اقتصادی و سیاسی ایران و ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم.

ولی تحقق این دور نمای جنبش انقلابی مردم ایران مستلزم اجتماع یک سلسله عوامل عینی و شرایط ذهنی است که بدون آن نایل بمقصود امکان پذیر نخواهد بود...

بنا بر این در اوضاع و احوال کنونی وظیفه اساسی عبارتست از کوشش در برطرف ساختن موانع اعتلاء جنبش و مبارزه در جهت فراهم نمودن وسائل تسریع این اعتلاء و زمینه جینی برای پیشرفت آن. آنها که قبل از فرا رسیدن و آماده شدن وضع انقلابی دورنما و هدفهای غائی نهضت را بجای وظائف مبرم سیاسی قرار میدهند و تمایلات احساسی خویش را جانشین واقعیت اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و تناسب واقعی نیروها میسازند و یا میخواهند فقط با تکیه بپشاهان نهضت بمیدان مبارزه قطعی روند نه تنها با شکست مسلم روبرو خواهند شد بلکه با چنین اقدامات نسنجیده و چپ روانه زیانهای سنگینی بتمام جنبش انقلابی مردم ایران وارد خواهند ساخت. روش ضد دموکراتیک رژیم کنونی

ایران اسلوب استبدادی و پلیسی حکومت، سلب آزادیهای مصرح در قانون اساسی، درعین اینکه نارضائی اکثریت تام مردم ایران و نفرت آنها را نسبت بر رژیم برمانگیزد، خود عمده مانع در راه اعتلاء جنبش انقلابی مردم بشمار میرود؛ مطاق ساختن هر یک از جهات این پدیده واحد موجب بروز برخی ابهامات و انحرافات از خط مشی صحیح میگردد. در واقع نه نارضائی عمومی به تنهایی قادر به اعتلاء و پیشرفت جنبش است و نه وجود حکومت استبدادی و پلیس میتواند دلیل بر اتخاذ برخی روشهای ماجراجویانه و چپ روانه باستناد مسدود بودن طرق مبارزه باشد...

بهمان دلیل که فقدان آزادیهای دموکراتیک عمده مانع در راه اعتلاء نهضت است مبارزه برای برداشتن این مانع از سر راه جنبش، تأمین آزادیهای دموکراتیک و

استقرار اصول دموکراتیک باید جهت اساسی مبارزه را در شرایط کنونی تشکیل دهد.

بمنظر حزب توده ایران مبارزه در پیرامون این شعار مبرمترین وظیفه کنونی و حلقه مرکزی در مجموعه مبارزات بمنظور نیل بهدفعهای سیاسی دیگر است.

بدیهی است تشخیص شعار اساسی مبارزه بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعارهای دیگر و از جمله بمنزله انصراف از مبارزه برای خروج ایران از پیمان ستو و قرارداد دو جانبه نظامی، الغاء قانون کاپیتولاسیون، اتخاذ سیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت به سرمایه خارجی، مبارزه علیه سیاست بازرگانی نابرابر و درهای باز و غیره نیست ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوششها و مبارزات سیاسی در جهت آن سیر کند زیرا شعار مزبور آن چنان حاقله مرکزی است که قادر است مبارزه را در راه تحقق شعارها و خواستههای دیگر تسهیل نماید. در صورتیکه حزب توده ایران و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیک موفق شوند که توده های مردم را دور این شعار گردآورند و آنها را بمبارزه متشکل و متحد برای تحصیل آزادیهای دموکراتیک سوق دهند بنحوی که دولت مجبور شود لاقال آزادیهای مصرح در قانون اساسی ایران را رعایت نماید ناگزیر

یکی از دو پایه اصلی رژیم کنونی دچار تزلزل جدی میشود و ناچار زمینه را برای مبارزات ملی و دموکراتیک دیگر در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میگشاید.

مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک مبارزه وسیع و همه جانبه است که شامل عرصه های گوناگون حیات اجتماعی و حرفه ای، سیاسی، فرهنگی، قضائی، اداری و غیره میگردد؛ مبارزه در راه بسط فعالیتها و آزادیهای سندیکائی برای کلیه زحمتکشان شهر و ده، مبارزه در راه بدست آوردن آزادی سازمانی برای زنان، جوانان، دانشجویان و معلمان و روشنفکران و پشه وران و کارمندان دولتی و کارمندان دستگاه های خصوصی و دولتی، مبارزه برای تصویب قانون عفو عمومی در باره کلیه زندانیان و محکومین و تبعیدیان سیاسی، مبارزه برای تأمین بازگشت کلیه پناهندگان سیاسی از خارج به ایران، مبارزه برای لغو دادگشائی استثنائی نظامی و ارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی بداد گاههای صلاحیتدار دادگستری، مبارزه در راه آزادی انتخابات و رفع مداخلات دولت در امور انتخابی، مبارزه در راه آزادی آموزش بزبان مادری برای خلقها و اقلیتهای ایرانی که فارسی زبان نیستند، مبارزه در راه علنی شدن کلیه احزاب ملی و دموکراتیک و تصویب قانون اجتماعات و احزاب، اینها شعارهای مبرمی است که مورد علاقه توده های مردم است و هر یک از آنها یا مجموعه ای از آنها میتواند بر حسب اوضاع و احوال و شرایط پیشرفت نهضت اهمیت درجه اول کسب کنند.

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمیکند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه احزاب، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتماد کامل بقضایات صحیح توده های مردم دارد و بهمین سبب از میدان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک جداً معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترک مردم ایران ضرور میسرود و نیز عقیده راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه یک حزب یا یک سازمان تأمین نمیشود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه احزاب و سازمانهای میهن پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه مشترک و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک نه تنها در این دوره، نه تنها در این مرحله انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود...

از آنجا که حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر و نظریاتش منطبق با منافع اکثریت تام مردم ایرانست، بی شائبه و با تمام قوا در راه اتحاد هرچه وسیعتر نیروهای ملی و دموکراتیک میکوشد زیرا در زمان ما دناله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

### حکومت ایران به امپریالیسم وفادار است!

روزنامه «سنای تایمز» چنین ابراز میکند: «من امیدوارم که شما انگلیس ها مادامی که ما و سایر کشورها آماده پر کردن خلای که با رفتن شما در خلیج فارس ایجاد میشود نشده ایم» از این منظره خارج نشوید. این نظر را شاه هنگامی ابراز کرده که صحبت از تخلیه مناطق شرقی ترعه سوئز از طرف حکومت «کارگری» تا سال ۱۹۷۱ بمیان آمده است یعنی شاه حتی موقعیکه امپریالیسم انگلستان بعثت مشکلات مالی ناچار به کم کردن هزینه های نظامی و از جمله مجبور به تخلیه خلیج فارس از نیروهای نظامی خویش گردیده، اظهار امید و در واقع استدعا دارد که این نیروها در خلیج بمانند! حال اگر دولت «کارگری» ساقط گردد و حکومت محافظه کار بجای آن بپاید، امری که قریب الوقوع بنظر میرسد، در این صورت نه تنها شاه و حکومت ایران مخالفین نخواهند داشت بلکه خوشنود هم خواهند شد. (۱) هنگامی که خبر نگر رادیو لندن به «هیث» میکشید که: «شما» در آن اظهار داشتید که ایران با مسئله تغییر سیاست دولت انگلستان یعنی پر خروج از خلیج فارس مخالفت خواهد کرد در حالیکه پرروز یکی از سخنگویان رسمی وزارت خارجه ایران اعلام داشت که دولت ایران هرگز از دولت انگلستان نخواهد خواست که در خلیج فارس باقی بماند یا به این منطقه بازگردد» او چنین پاسخ میدهد: «دولت ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شوند و حالا از این دولت انتظار نداریم که بماند و علنا اعلام کند که ما میایم انگلستان در خلیج فارس باقی بماند... چنین اظهاراتی با اصول دیپلماسی تطبیق نمیکند و این نکته را بخوبی میفهمیم» اینها اظهارات کسی است که احتمال میرود مقام نخست وزیری را در انگلستان اشغال کند. «هیث» میتوانست با اتمام اظهارات صریح شاه با مجبوروزنامه «سنای تایمز» جواب دندان شکنی بغير نگر رادیو لندن و سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایران بدهد و بگوید که شاه یعنی گرداننده واقعی حکومت ایران نه تنها از ما نخواسته که از خلیج فارس خارج بشویم بلکه اظهار امید هم کرده که در آنجا باقی بمانیم. ولی «بول» «هیث» چنین اظهاراتی با اصول دیپلماسی تطبیق نمیکند! علاوه کنیم که اظهارات سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایران هم متن منسوخ کوچکترین تعابلی به خروج نیروهای انگلستان از خلیج نیست بلکه مؤید این اظهار نظر «هیث» است که میگویید: «دولت ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شوند»

زمانمداران ایران از شاه «نخست وزیر» وزارت خارجه گرفته تا سخنگویان رسمی دولتی هیچکدام چنین تقاضایی را مطرح نکردند بلکه اظهارات آنها همواره بر این فرض مبتنی بوده که اگر دولت انگلستان خود نیروهایش را از این منطقه بیرون بکشد چه باید کرد. «هیث» در مصاحبه خود میگوید: «تقریباً در همه جا مردم متعجب بودند که چرا ناگهان دولت «کارگری» انگلستان تصمیم گرفته از خلیج فارس خارج شود»

«هیث» با روشنی این مردم متعجب را نام میبرد و میگوید: «در این مدت مذاکرات و گفتگوهای پررؤزی با شاهنشاه ایران، ملک فیصل... و همچنین با حکام و شیوخ خلیج فارس بعمل آوریم، اینها هستند آن مردمانی که از اقدام احتمالی حکومت «کارگری» انگلستان به تعجب افتادند!

حقیقت این است که چه دولت «کارگری» چه حکومت آینده احتمالی محافظه کاران در انگلستان هیچکدام قصد خروج از خلیج فارس به معنی واگذاری سرانوشته این منطقه بدست صاحبان اصلی خود یعنی کشورهای مجاور خلیج فارس را نداشته و ندارند. اختلاف بین آنها بر سر چگونگی حفظ تسلط در این منطقه است. محافظه کاران که در رأس آنها «هیث» قرار دارد به مقتضای اصل سیاست خود یعنی احتیاط و محافظه کاری، با سیاستی که حزب «کارگر» برای تخفیف بهرمان مالی انگلستان فرخواندن نیروهای نظامی را از منطقه شرق سوئز در عین تسلط بر خلیج فارس بوسیله شیوخ و حکام دست نشانده و

دنباله از صفحه ۱

### اعلامیه

درباره حوادث مرزی «دامانسکی»

مدعی رهبری يك کشور سوسیالیستی هستند بخواهند این اختلاف را با سلاح حل کنند بویژه آنکه مرزهای بین چین و شوروی طبق قرارداد سال ۱۹۲۴ بین شوروی و چین تثبیت شده و بارها از طرف چین تأیید گردیده است. علاوه از سال ۱۹۶۴ اتحاد شوروی برای جلوگیری از حوادثی که گروه مائو در نواحی مرزی ایجاد میکردند و بسط آن حوادث، پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است ولی از جانب چین مذاکرات دنبال نشدند. اخیراً نیز اتحاد شوروی دو بار پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است.

حوادث مرزی دامانسکی ایراد ضربت سنگین بر انترناسیونالیسم پرولتری و به حیثیت سوسیالیسم است. تصویر ناهنجاری از کمونیسم پدیده مسی آورد، مایه نگرانی و آشفتگی نهضت انقلابی جهانی، موجب خرسندی و شادمانی محافل امپریالیستی است و مبارزه خلقها بویژه خلق ویت نام، خلق های عربی در مقابل تجاوز اسرائیل و دیگر خلقها زبان میزند. حزب ما بماباه یک حزب انترناسیونالیست این واقعه را «مجلسی» تلقی نمیکند و اشمه از شادبختی پر از فتنه انگیزی تازه گروه مائو ابراز میدارد و آنرا بشدت تکیه می کند و روش اتحاد شوروی را که در عین دفاع مجدانه از حقوق حقه خود راه مذاکره را برای حل اختلافات در پیش گرفته است روش درست و اصولی میسورد.

گمته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۴

### يك سند مهم حزب ما

تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

سازمان امنیت و محاکم نظامی، مبارزه متحد برای ارجاع محاکمات سیاسی به محاکم دادگستری، مبارزه مشترک برای تصویب قانون عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی، مبارزه مشترک برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره. بهترین وسیله برای ایجاد زمینه چنین اتحادی است. اقدامات مشترک باید تدریجاً باین نتیجه بیانجامد که زمینه اتحاد بر مبنای برنامه مشترک عمل را فراهم سازد. تجارب سالهای اخیر اثر بخشی وحدت عمل را در عرصه های گوناگونی با اثبات رسانده است.

حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی میهن پرست و آزادیخواه، صرف نظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده و میکند. حزب توده ایران باین خط مشی سیاسی که مبتنی بر واقعیات عینی جامعه ماست ایمان راسخ دارد و معتقد است در مرحله کنونی، انحراف از این راه جز اتلاف نیروها و کشاندن آنها با اقدامات ماجراجویانه جز رانند توده ها به یأس و بدبینی، بسود مواضع ارتجاع و امپریالیسم ثمری ندارد.

نتیجه بدین ترتیب سند «تحلیلی از وضع کشور و وظایف مبرم ما» میکشید بر بنیاد علمی، بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم اوضاع کنونی میهن ما را تشریح نماید و از درون این تحلیل علمی وظایف مبرم حزب را در شرایط کنونی بیرون کشد. سند مصوب هیئت اجرایی که نتیجه خرد جمعی حزب ماست پدیده های نوین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر ایران را طی يك سنتز جامعی توضیح میدهد. تحقق پذیر ترین وظایف انقلابی بر بنیاد این سنتز روشن گردیده است تا راه بسوی انقلاب دموکراتیک نوین بسر کردگی (هژمونی) طبقه کارگر گشوده شود. این سند هم از اپورتونیسم راست و آراستن رژیم ضد ملی، ضد دموکراتیک و سلطنت مستبد و ایجاد پندارهای رفورمیستی و هم از آوانتوریسم چپ و دادن شعارهای تند و تیز بدون توجه به واقعیت و بدون تجزیه و تحلیل علمی آن و بدون استفاده از امکانات واقعی مبارزه بدور است و دنباله منطقی تلاشی است که از مدتها پیش از جانب حزب ما و رهبری آن برای انطباق جهان بینی عمومی به شرائط مشخص کنونی میهن ما انجام میگردد. موافق تصمیم هیئت اجرایی این سند باید مورد بررسی عمیق همه رفقای حزبی و اجراء عملی قرار گیرد. تردیدی نیست که حزب بنا به سنت خود از آزمایشهای ناشی از عمل و از نقیصه سازنده مبارزان فیض گرفته و خواهد گرفت.

منافع طبقه کارگر و دیگر توده های عظیم مردم ایران بطور جدائی ناپذیر با یکدیگر پیوند یافته است.

مبارزه ما علیه امپریالیسم و عمال آن، علیه تسلط انحصارهای امپریالیستی بر اقتصاد و منابع ثروت کشور، مبارزه ما برای تأمین يك سیستم اقتصادی مستقل منطبق با منافع اکثریت قاطع مردم و رشد سالم و سریع و همه جانبه اقتصاد ملی جز مبارزه در جهت مصالح واقعی میهن و آینده کشور عزیز ما ایران چیز دیگری نیست. اگر ما در راه تحقق يك سیاست خارجی متکی بر استقلال ملی و صلح، حسن همجواری و دوستی بین ملتها و دفاع از جنبش استقلال طلبانه ملت‌هایی که برای نجات خود بیکار میکنند مبارزه میکنیم برای آنست که این سیاست را عمیقاً منطبق با مصالح واقعی حال و آینده ایران میدانیم.

حزب توده ایران معتقد است که یکی از عمده ترین علل یا برجا ماندن رژیم حکومت مطلقه پراکنده و عدم هماهنگی بین نیروهای میهن پرست و آزادیخواه ایرانست و بهین سبب است که کوشش در راه ایجاد چنین اتحادی را وظیفه مرکزی و مستمر خوش تلقی میکند. حزب ما کلیه مساعی لازم را بکار خواهد برد تا در اطراف مسئله مرکزی مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک و علیه حکومت پلیسی ترور و اختناق همه نیروها را، صرف نظر از تحلیلها و تفسیرات و عقاید مختلفه، مجتمع سازد.

اتحاد عمل در پیرامون مسائل روزانه از قبیل اقدامات مشترک برای دفاع از این با آن زندانیان سیاسی، مبارزه متحد در راه آزادی همه زندانیان سیاسی، مبارزه مشترک برای اقصاء جنایات و اعمال خلاف قانون وابستگی تاریخی دارند و بحیثیت امپریالیستها بمردم این منطقه تحمیل شده اند، بیم دارند که پس از خروج نیروهای انگلیس در خلیج فارس تسلط نیروها در این منطقه بسود جنبش های رهائی بخش ملی تغییر کند و وضع آنها را بخطر اندازد. باین دلیل است که از دولت خود یعنی دشمن ملتها تقاضای بقای در این منطقه را دارند. این معنی را «هیث» در مصاحبه خود باین نحو بیان میکند که: «مردم این منطقه میگویند ما باید با برخورداری از مثبت صلح و آرامش بتوانیم به پیشرفتهای خود ادامه دهیم و مایل نیستیم که مانند برخی از کشورهای دیگر در هرج و مرج و آشوب غوطه ور شویم». جای تردید نیست که معنی «ثبات» و «صلح» و «آرامش» در قاموس «هیث» بقاء وضع موجود یعنی چپاول و غارتگری منابع نفتی خلیج فارس و کشورهای مجاور آن و مفهوم «هرج و مرج و آشوب» جنبش های استقلال طلبانه و ملی در خاور نزدیک و میانه است. از اظهارات «هیث» و واکنشهای محافل دولتی گرفته های شاه بخوبی معلوم است که اساس سیاست ایران در خلیج فارس همکاری و وفاداری و صداقت نیست بامپریالیستهاست یعنی چنان سیاستی که ذره ای باذاعتی باطل حکومت ایران یعنی در پیروی از سیاست مستقل ملی، نه تنها موافق نیست بلکه درست سیاسی است ضد ملی.

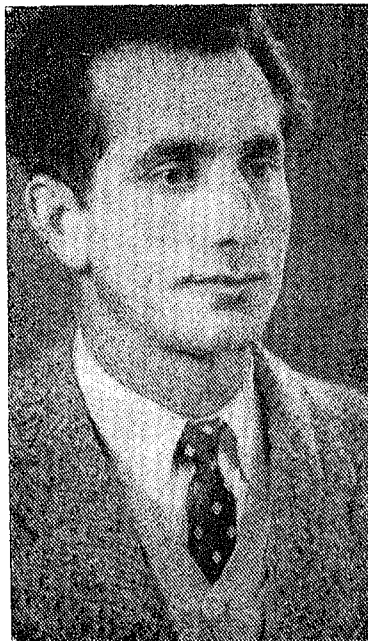
۱. گویا

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق محمد سجادی در سن ۳۹ سالگی به بیماری سرطان درگذشت.

رفیق سجادی از سن ۱۲ سالگی کارگر کارخانه بلورسازی تهران بود. سال ۱۳۲۳ عضویت اتحادیه کارگران و در سال ۱۳۲۶ عضویت حزب توده ایران پذیرفته شد. در دوران خدمت وظیفه تلفنچی ستاد ارتش شد و در این پست خدمات شایانی برای حزب انجام داد. رفیق سجادی در سال ۱۹۵۶ مجبور به مهاجرت شد. در مهاجرت آموزشگاه برق را بیابان رسانید و سپس وارد دانشکده برق گردید و در این دانشکده سه سال تحصیل نمود ولی متأسفانه بیماری مانع ادامه تحصیلات او شد و سرانجام پس از یک عمل جراحی درگذشت.

مرگت رفیق مبارز سجادی را بخانواده، رفقا و دوستان صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

دنباله از صفحه ۱



### استعمار جمعی در نفت ایران گسترش مییابد

از تاریخ شروع بهره برداری تجاری تا ۲۵ سال است. اصول هر دو قرارداد مبتنی بر همان اصول قرارداد بین شرکت ملی نفت و گروه فرانسوی «اراپ» است. یعنی شرکت‌های خارجی بعنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران اجرای عملیات اکتشافی و تولیدی را بر عهده خواهند داشت. ادعا میشود که «متجاوز از ۹۰ درصد از مجموع عایدات حاصله از اجزای قراردادهای مزبور سهم ایران و بقیه سهم پیمانکار میباشد.»

افزایش درآمد نفت - ولی به چه قیمت؟

مدتهاست دولت ایران چوب حراج منابع نفت ایران را بر زمین زده و هر روز قرارداد نفتی جدیدی با یکی از شرکتها و یا گروهی از شرکت‌های نفتی امضا میکند. ادعای محافل دولتی همیشه این است که در عقد این قراردادها سهم مثل سایر زمینها «انقلاب شاهانه» رخ داده و درآمد ایران از نفت افزایش یافته است.

از آنجا که قراردادهای نفتی همیشه - بویژه در آنچه که مربوط به درآمد ایران است - در پرده‌ای از اسرار پوشیده شده و اطلاعاتی هم که انتشار می‌یابد دلخواه ناقص و در عین حال پیچیده است - اثبات صحت و سقم ادعاهای محافل دولتی عملاً ممکن نیست. ولی این نکته مسلم است که سرمایه داران خارجی، آنهم شرکت‌های آژمنده نفتی، برای ادک به انقلاب‌های شاهانه در قراردادهای نفتی حاضر بعقد قرارداد میشوند، بلکه مانند همیشه سود، آنهم سود کلان انحصاری، آنکه در واقعه اصلی آنهاست. در عین حال در اثر تقسیم اوضاع بین المللی سود نیروهای شاه امیرالیستی و همچنین بعانت وجود

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حزبی ما فضل‌اله (فرضی) دهقان در سن ۷۲ سالگی به بیماری سرطان گلو درگذشت.

رفیق فضل‌اله (فرضی) دهقان یکی از قدیمی ترین مبارزان راه آزادی ایران و یکی از با سابقه ترین اعضای حزب توده ایران است. رفیق فقید دهقان سراسر زندگی آگاهانه خود را در این راه گذاشت. او در سال ۱۲۷۵ در قریه نونه کران از محال اردبیل در یک خانواده دهقان تولد یافت و در ۲۶ سالگی در شهر آستارا به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد.

فعالیت انقلابی رفیق فقید دهقان بمثابة یکی از فعال ترین اعضای حزب از نظر پلیس دیکتاتوری رضا شاه پنهان نماند و به همین جهت تحت تعقیب قرار گرفت. او در سال ۱۳۱۰ از طرف شهربانی آستارا دستگیر و زندانی شد. دهقان پس از آنکه مدت‌ها در زندانهای آستارا، اردبیل و تبریز بدون محاکمه باقی ماند به تهران اعزام شد و در حدود ۱۰ سال در زندان قصر قاجار زندانی گردید. او در زندان با وجود انواع محرومیتها تنزل از خود نشان نداد و روحیه انقلابی خود را تا آخرین روز در زندان حفظ نمود. پس از دهسال زندان از طرف دادگاه فرمایشی رضا شاه به شش سال زندان محکوم گردید. با وجود این شهربانی مختاری او را آزاد نگذاشت و از زندان یکسره بشهر نهاروند تبعید نمود. پس از سقوط دیکتاتوری

با شرکت همه امیرالیست‌ها یعنی استعمار جمعی را تشویق و تقویت میکند. این واقعیت را در مورد همین قراردادهای جدید نفتی آشکارا میتوان مشاهده کرد.

رژیم باسروصدای فراوان اعلام میکند که در اثر «انقلاب شاهانه» شرکت ملی نفت ایران قادر است مستقلاً سرمایه گذاری و بهره برداری در نفت بپردازد آنهم نه فقط در داخل کشور بلکه حتی در کشورهای خارجی! و آگاه هم صحبت از فعالیت‌های نفتی ایران در هند و مراکش و غیره میشود.

سؤال اینست که پس چرا شرکت ملی نفت با اینهمه «توانائی» هرروز قسمتی از منابع نفت را در اختیار یک شرکت خارجی امیرالیستی می‌گذارد؟

سؤال دیگر اینست که چرا با اینکه طبق قانون نفت واگذاری منابع جدید نفتی باید از راه مزایده انجام گیرد قراردادهای جدید بنزایده گذارده نشده؟

سؤال آخر اینست که اگر شرایط بین المللی عقد قراردادهائی را که به نسبت قرار داد کنسرسیوم بین المللی با صرفه تر است - ممکن میگرداند، پس چرا قرارداد غارتگرانه کنسرسیوم همچنان بقوت خود باقی است؟ آیا همه اینها بدین معنی نیست که رژیم می‌خواهد برای «ضمانت و امنیت» خود امیرالیست‌های گوناگون را هر چه بیشتر در ایران



رضا شاه و رهائی از تبعید پرشهرترین دوران زندگی رفیق دهقان آغاز شد. رفیق فقید یکی از مؤسسين حزب توده ایران در شهر آستارا بود. در نهضت آذربایجان همکام فرماندهی فدائیان به آزادی شهر آستارا و نمین کمک مؤثری نمود. در دوران حکومت ملی در آذربایجان چندی فرماندار آستارا و پس از آن فرماندار مشکین شهر شد. رفیق فقید دهقان در سال ۱۳۲۵ مجبور به مهاجرت با اتحاد شوروی گردید. او تا آخرین لحظه حیات خود از راه برافتخار وفاداری با اصول مارکسیسم - لنینیسم سر بر نتافت و به آرزوی وطن و سعادت خلق‌های ایران چشم از دنیا بر بست. ما درگذشت رفیق فضل‌اله دهقان را به خانواده، دوستان و رفقای او صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

دنباله از صفحه ۸

### ضمیمه «ماهنامه مردم»

نودن تخت بیمارستان و نداشتن وسایل لازم درمانی و اشکال تراشی‌های فراوان روبرو هستند. اخباری درباره کارگران کارخانه

موزائیک سازی تهران، کارگران سنگ کوبی، کارگران شرکت اتو توکل نیز از مطالب شماره اخیر «ضمیمه مردم» است در مقاله‌ای تحت عنوان «فعالیت مخفی و اسناد حزبی» لزوم رعایت همه جانبه پنهانکاری و طرز استفاده از اسناد حزبی در شرایط مبارزه مخفی مشروحاً توضیح داده شده است.

انتشار منظم «ضمیمه مردم» گرمی بخش همه مردمی است که به امید فردای روشن میهن ما مردانه می‌زنند. ما توفیق آتی انتشار دهندگان «ضمیمه مردم» را در نبرد دشوار آنها از صمیم قلب آرزو مندیم.

ذینفع کنند و دست به ترکیب کنسرسیوم بین المللی نفت که همچنان ۹۵ درصد تولید و فروش نفت ایران را در اختیار دارد نزنند؟ آیا همه اینها تقویت پایگاه امیرالیسم در ایران و گسترش استعمار جمعی نیست؟

نیروهای ملی و مترقی ایران باید هم ماهیت ضد ملی سیاست نفتی دولت ایران را افشاء کنند و هم برای جلوگیری از این حراج خائنه بزرگترین ثروت ملی ایران مبارزه خود را تشدید نمایند. م. فرزانه

### صمد بهرنگی

دوست کودکان و ستایشگر فرهنگ خلق خویش (بمناسبت درگذشتش)

اواخر تابستان گذشته، خبر مرگ پیشرس «صمد بهرنگی» انتشار یافت. اخبار رسمی حاکی از آن بود که «بهرنگی» بهنگام شنا در رودخانه ارس غرق شده است. ولی شایعات گوناگون بر این خبر رسمی سایه شک و تردید میاندازد. عده‌ای مرگ او را نتیجه توطئه قبلی سازمان امنیت میدانند و عده‌ای دیگر معتقدند «بهرنگی» حین عبور از رودخانه ارس بقصد خروج از ایران بدست مرزبانان ایرانی به قتل رسیده است. بهر حال فقدان این نویسنده جوان و با استعداد بخصوص با توجه به نحوه تفکر و شیوه برخورد واقع بینانه‌اش به مسائل اجتماعی موجب تأسف فراوان است.

«بهرنگی» در حیات کوتاه خود به خلق آثار برجسته‌ای توفیق یافت که بطور عمده به ادبیات کودکان تعلق دارد «بهرنگی» رفیق و قصه گوی روشن بین کودکان در تمام قصه هایش کوشش دارد «درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسان» در قالب داستانهای شیرین به کودکان بدهد. او معتقد است: «چرا باید در حالیکه برادر بزرگ دلش برای یک نفس آزاد و یک دم هوای تمیز لک زده کودک را در پله‌های از «خوشبختی و امید و شادی الکی» خفه کنیم... آیا نباید به کودک بگوئیم که در مملکت تو هستند بچه هایی که رنگ گوشت و حتی پشیر را ماه به ماه و سال بسال نمی بینند؟ چرا که عده قلیلی دلشان میخواهد همیشه «غاز سرخ شده در شراب» سرسرفه شان باشد. آیا نباید بگوئیم که بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه اند و چرا گرسنه اند و راه بر انداختن گرسنگی چیست؟ بهرنگی معتقد است که: «ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین و بیخبری در رؤیا و خیال های کودک و دنیای تاریک و آنگاه غرقه در واقعیت های تلخ و درد آور و سر سخت محیط اجتماعی بزرگترها. کودک باید از این پل بگذرد و آنگاهانه و مسلح و چیراغ بدست به دنیای تاریک بزرگترها برسد» بر اساس این اعتقاد درست، فکر و اندیشه کودکان را بجانب شناختن جامعه ای که در آن زندگی میکنند راهبر میشود.

«صمد بهرنگی» که از آذربایجان بود به زبان و ادبیات مادری خویش عشق فراوان داشت و در راه جمع آوری فرهنگ توده آذربایجان زحمات فراوانی متحمل شد. او به ضبط افسانه های آذربایجانی همت گماشت تا با انتقال از لوح سینه ها بر اوراق مدون بدینا حیات جاودان بخشد. وی آرزو میکرد که کودکان آذربایجانی روزی بتوانند بر زبان مادری خود بخوانند و نویسند. از به «بهرنگی» برای کودکان که آنها به سرنوشت شان عشق میورزید و هم برای هموطنان بزرگسالش آثار ارزنده ای است که از خود باقی گذارده است.

دنباله از صفحه ۱

### اعلامیه بمناسبت اول ماه مه

و در کلیه بنگاههای صنعتی و کارگاههای ایران اتحادیه های وابسته شورای متحده بوجود آمد. شورای متحده مرکزی شادروان رضا روستا را که در سازمان دادن اتحادیه های کارگری و تحکیم صفوف زحمتکشان ایران فعالیت شایانی کرده بود بدست دبیر کل انتخاب نمود. شورای متحده مرکزی که در مبارزات سندیکائی و همچنین در مبارزات دموکراتیک همه خلقهای ایران با عامل مهمی مبدل شده بود بصورت فدراسیون سندیکائی جهانی پذیرفته شد.

در نتیجه مبارزه کارگران و فعالیت شورای متحده مرکزی برای نخستین بار قانون بیه کارگران تصویب رسید و لایحه قانون کار به شکل تصویب نامه دولت ابلاغ شد، طبق قانون ساعات کار روزانه به ۸ ساعت در روز محدود گردید، اصل متحرک برای حد اقل دستمزد با توجه به تغییرات هزینه زندگی برقرار شد. مرخصی هفتگی و مرخصی اعیاد ملی و روز اول مه، مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق جنبه قانونی پیدا کرد. بیه اجتماعی، پرداخت دستمزد در موقع بیکاری، مرخصی برای زنان باردار، مزد مساوی برای کار مساوی در مورد زنان و مردان، جلوگیری از کار کودکان، رسمیت یافتن اتحادیه های کارگری، حق اعتصاب از جمله حقوقی است که برهبری حزب توده ایران زحمتکشان متشکل در اتحادیه های وابسته شورای متحده مرکزی بدست آوردند.

تجربه دوران فعالیت علنی شورای متحده مرکزی نشان میدهد که کسب آزادی های سندیکائی برای کامیابی مبارزات روزانه کارگران، برای تحقق بخشیدن بخواسته های اقتصادی و اجتماعی آنان و برای استقلال ملی و صلح ضرورت دارد و میتواند پایه وحدت عمل توده های وسیع قرار گیرد. اگر مبارزه برای آزادی های سندیکائی بمبارزات مطالباتی وسیعترین قشر های زحمتکشان و جنبش دموکراتیک عموم خلق پیوند نیابد میتواند بشکل طبقه کارگر در اتحادیه های صنفی و تحکیم این اتحادیه ها کمک کند.

هیئت حاکمه ایران و در رأس آن شاه که با توسل بشکنجه و اعدام، حقوق و آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را از طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران سلب کرده اند برای اینکه چهره ضد دموکراتیک خود را بیوشانند از وجود قانون کار و آزادی های سندیکائی دم میزنند در حالیکه کارگران با تجربه روزانه خود دروغ و پوچ بودن این ادعا را درک میکنند. وقتی میتوان از وجود آزادی های سندیکائی بمعنای واقعی کلمه سخن گفت که زحمتکشان بتوانند بدون دخالت کارفرمایان و سازمان امنیت و سایر سازمانهای دولتی آزادانه اتحادیه های خود را تشکیل دهند، در هر گونه فعالیت سندیکائی شرکت جویند، در محل کار و یا خارج از آن برای بیان نظریات خود در مسائل مورد علاقه خویش

جمع شوند، مطبوعات خود را منتشر کنند، نمایندگان مورد اعتماد خویش و رهبران اتحادیه ها را انتخاب نمایند و در هر اقدامی که برای دفاع از منافع زحمتکشان بعمل میآید شرکت جویند، از حق اعتصاب و تظاهر و اشکال دیگر مبارزات سندیکائی برخوردار باشند، اساسنامه اتحادیه خود را بدون دخالت دولت و کارفرمایان تنظیم و اجراء نمایند، با سازمانهای سندیکائی کشورهای دیگر و سازمانهای سندیکائی بین المللی آزادانه در ارتباط باشند. کارگران ایران میدانند که رژیم شاه مجموعه این حقوق و آزادیها را از آنها سلب کرده است.

گردانندگان رژیم میکوشند با لفاظی های عوامفریبانه بنادر غلط هماهنگی طبقاتی همکاری استعمارگران و استثمار شوندگان را در بین کارگران رسوخ دهند و آنها را با وعده هایی از قبیل سهیم کردن در سود کارخانه بفریبند ولی تجربه روزانه پوچ بودن همه این لفاظیها را بکارگران نشان میدهد. رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی کلیه قوانین از آن جمله قوانین کار و بیمه اجتماعی را که تا حدودی متضمن منافع زحمتکشانست بلا اجرا میگذازد. طبق قانون کار «حد اقل مزد کارگر عادی بنا توجه به حوائج ضروری و هزینه زندگی در نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین زندگی یک مرد و یک زن و ۲ فرزند را بنماید» بنا به اعتراض وزیر کار حد اقل مزد ۲۳ سال پیش بین ۳۱ تا ۴۰ ریال تعیین گردید. اینک در حالیکه هزینه زندگی طی این مدت حد اقل چهار برابر افزایش یافته حد اقل مزد میزبان ۵۰ تا ۶۰۰ ریال یعنی ثلث مبلغ قانونی تثبیت میگردد. با اینوصف در پوچ بودن ادعا های وزیر کار درباره حفظ و بالا بردن قدرت خرید طبقه کارگر، حمایت نیروی کار، حمایت اجتماعی از نیروی مولد کشور و غیره جای شک میماند.

وظیفه مقدس کارگران آنگاه که مکتب مبارزات طولانی را گذرانده اند این است که نیازمندیها و خواسته های مبرم توده های زحمتکش را در مرکز توجه قرار داده با مشخص کردن حیاتی ترین خواست ها شعار های مبارزه را تنظیم و زحمتکشان را برای مبارزات مطالباتی متشکل و رهبری نمایند، باید در شرایط کنونی که زندگی سندیکائی بمعنای واقعی آن وجود ندارد در سندیکاهای موجود ولو آنکه ایجاد کننده آنها دولت و اداره کنندگانش عمال دولتمند شرکت ورزند و با استفاده از قوانین و آیین نامه های موجود این سندیکا ها را بتدریج به وسیله مبارزه صنفی کارگری مبدل سازند. تردیدی نیست که طبقه کارگر ایران با تکیه به تجارب غنی خود و با توجه به تجارب جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در سراسر جهان، با استفاده از پشتیبانی نیرو های دموکراتیک سراسر جهان و در درجه اول کهکهای بیدریغ اردوگاه صلح و سوسیالیسم خواهد توانست نفوذ امپریالیسم و سلطه ارتجاع را بر اندازد و با استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک مین ما را براه ترقی سوق دهد. کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۱

### بحران مناسبات ایران و عراق

قرار داد ۱۳۱۶ (ژوئیه ۱۹۳۷) در باره شط العرب که روزی با وساطت امپریالیزم انگلستان در استانه امضاء قرار داد سعد آباد با سلام و صلوات به امضاء رضا شاه موشح گردید امروز به الهام محافل امپریالیستی امریکا و انگلستان و آلمان غربی که جای پای خود را بویژه پس از جنگ تجلوی اسرائیل در عراق و چند کشور دیگر عربی از دست دادند از طرف فرزندوی محمدرضا شاه لغو میگردد.

در اینکه بحقوق ایران صاحب سواحل شرقی شط العرب که بنادر مهمی مانند آبادان و خرمشهر در آن قرار دارد طبق مقررات بین المللی باید احترام گذاشته شود جای تردیدی نیست. در اینکه ایران با داشتن طولانی ترین ساحل در خلیج فارس مانند سایر کشورهای ساحل نشین دارای حقوق مسلمی در خلیج فارس است در آنهم تردیدی نمیتوان داشت ولی واقعیت آنست که زمامداران ایران هم هنگامیکه قرارداد ژوئیه ۱۹۳۷ را در باره شط العرب امضاء نمودند و هم امروز که با های وهوی و لشکر کشی آنرا لغو میکنند نقش آتش بیار امپریالیسم و ارتجاع را ایفاء کرده و مینمایند.

شاه ایران که پس از مسافرت اخیر خود به امریکا بمنظور شرکت در مراسم دفن آیزنهاور یکی از بنیاد گزاران و پشتیبانان واقعی رژیم کنونی ایران و ملاقات با نیکسون و مشاوره با محافل پنتاگون و همچنین پس از مذاکرات طولانی خود در تهران با ادوارد هیت رهبر حزب محافظه کار انگلستان همچنین اقدامی دست میزند در شرایط کنونی علیرغم تبلیغات بلندگویان رژیم حاکم در ایران بطور عینی اقدامی بنفع امپریالیزم و صهیونیزم در خاورمیانه انجام میدهد. به همین سبب عدم موافقت ما با اقدامات کنونی دولت ایران نه از آنجهت است که گویا برای ایران بمشابه ساحل نشین شط العرب طبق حقوق عادی بین المللی حقی قائل نیستیم بلکه بعکس چون اقدامات ماجراجویانه دولت ایرانرا که معنادر

شرایط کنونی بنفع نقشه های امپریالیستی در خاورمیانه است متخالف مصالح واقعی مردم ایران و حل واقعی مسئله شط العرب میدانیم با آن مخالفیم. بنظر ما اختلافات مرزی دولت ایران و عراق باید به بوسیله تهدید و ارعاب و لشکر کشی بلکه از راه مذاکرات مستقیم و دوستانه در چهارچوب حفظ و احترام حقوق دو همسایه و آزاد از هر گونه توطئه امپریالیزم و ارتجاع جهانی حل شود و از اینراه بحرانی که در مناسبات دو کشور بوجود آمده خاتمه یابد. بنظر ما سیاست ایران باید در جهت کمک و همکاری با کشورهای در خاورمیانه که در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیزم قرار دارند رهبری گردد نه در جهت تبدیل ایران بمشابه پایگاه دوم امپریالیزم در خاورمیانه علیه جنبش های رهائی بخش ملی و اجتماعی در این منطقه.

مردم کشور ما اتخاذ چنین سیاستی را محکوم میکنند. بدون تردید تعقیب کنندگان چنین سیاستی روز بروز در داخل و خارج ایران منفردتر و منفردتر خواهند گردید. ز. خرسند

افتخار به شهیدان اردیبهشت رفقا آرسن آوانسیان، هوشنگ پور رضوانی، علی عظیم زاده، خسرو جهانان آذری، جواد فروغی، حسن زهتاب، ایوب کلانتری. باشد که خاطره تابناک این شهیدان مشعل مبارزه نسل جوان قرار گیرد!

## از انقلابیگری تا ضد انقلاب

وقتی ما به چپ روها می‌گفتیم که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی آگاهانه یا نا آگاهانه، خواه ناخواه، عملاً بنفع امپریالیسم و ارتجاع تمام می‌شود، راه را بر ضد کمونیسم در اپوزیسیون ضد رژیم باز میکند و در نتیجه مجریان چنین سیاستی را علیرغم انقلابیگری در موضع ضد انقلاب قرار میدهد، سخت برآشفته میشوند. جمع بندی کوتاهی از فعالیت گروه‌های رنگارنگ هوادار «اندیشه مائوتسه دون» بیش از حد انتظار صحت این پیش بینی را بشود رسانده است:

(۱) مائوئیستهای ایرانی مدعی هستند که «قهرمان» مبارزه با رژیم اند. ولی آنها در تبلیغات شفاهی و کتبی خود هدف اصلی حمله را متوجه حزب توده ایران و اتحاد شوروی کرده‌اند. آنها با چه خصومت و کینه ای. به امپریالیسم و رژیم فقط ناسزا میگویند بدون آنکه به تحلیل عمیق سیاستها و مانورهای گوناگون آنها بپردازند، ولی تمام «دانش شوروی» خود را در خدمت مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با حزب توده ایران و اتحاد شوروی قرار داده‌اند، و این یعنی ایجاد عدم اعتماد و خصومت نسبت به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، آنها در شرایطی که امپریالیسم در صحنه جهانی آتش خود را بر روی اتحاد شوروی و رژیم در ایران فشار خود را بر روی حزب توده ایران متمرکز کرده است. یعنی درست همان نیروهایی که در صحنه جهان و ایران سنگین ترین بار مقاومت بر ضد امپریالیسم و ارتجاع را بدوش میکشند. آیا جمله پردازای انقلابی بر ضد امپریالیسم و رژیم با این ترتیب بمبارزه عملی بر ضد اسبیل ترین نیروهای انقلابی مبدل نشده است؟

(۲) مائوئیستهای ایرانی با شمار «انقلاب قهر آمیز» بیدان آمدند. تقلاهای کوچکی نیز برای «برافروختن جنگک پارتیزانی» شده است. ولی نتیجه چه شد؟ عده ای بیگانه را به کشتن دادند. به رژیم بهانه برای تشدید فشار دادند. چون این شمار خیلی زود در شرایط مشخص کنونی غیر واقع بینانه و ماجرا جویانه از آب در آمد عده‌ای را که به صحت این شمار امید بسته بودند، مأیوس کردند و از صحنه مبارزه خارج ساختند. و حالا هم بجای آنکه مانند یک کمونیست و مارکسیست-لنینیست واقعی به اشتباه سنگین خود اعتراف کنند، با لجاج به این شمار غیر واقع بینانه و ماجرا-جویانه در شرایط کنونی چسبیده اند، یعنی به گمراه ساختن مردم و فریبکاری ادامه میدهند. آیا این روش شایسته یک انقلابی واقعی است؟

(۳) مائوئیستهای ایرانی وانمود میکنند که «اندیشه مائوتسه دون مارکسیسم-لنینیسم عصر حاضر است». ولی این «اندیشه» در تئوری و در عمل چیزی جز یک مشت دگم همراه بارویزیونیسم «چپ» که در خدمت شوونیسم و هژمونیسم گروه مائوتسه دون قرار گرفته است، نیست. آنها در همانحال چون از مارکسیسم-لنینیسم روی

## شماره جدید

### ضمیمه ماهنامه «مردم»

شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران و تشکیلات تهران» بمتابه سند زنده حیات، جوشش و کوشش حزب ما در ظلمت استبداد انباشه یافت. سر مقاله این شماره اختصاص به ارزیابی مبارزات مردم پیکار جوی میهن ما و افشاه کارنامه سیاه هیئت حاکمه در سال گذشته دارد. در این مقاله ضمن اشاره به سختی‌ها و دشواریهایی که مردم در سال ۱۳۴۷ چه در نتیجه قهر طبیعت و چه در اثر مظلوم هیئت حاکمه متحمل شدند گفته میشود: «در سال ۴۷ مشکلات داخلی بیش از پیش عیان شد و طقه‌ها که باز هم برای انقیاد و اسارت خلق های مادر جهت منافع امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی قدمهای تازه تری برداشت قسمت اعظم بودجه کشور به ارتش تعلق گرفت. قرضه های جدیدی بمنظور خرید سلاح های امریکائی و جت های فانتوم بحساب آخرین رمق زحمتکشانشان خریداری و بر حلقه های زنجیر

و انحصار شوروی با همه کس متحد شده اند. تنها ملاک همکاری و اتحاد با سایر افراد و گروهها برای آنها موضع ضد توده ای و ضد شوروی بوده است. نتیجه اینکه آنها در این اتحاد نامقدس در کنار ضد کمونیستها، انارشیستها، تروتسکیستها و عناصر مشکوک قرار گرفته اند. آیا میتوان با این عناصر منحرف و دشمن بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی متحد گردید و مدعی خدمت به انقلاب شد؟ چنین است واقعیت تلخ و دردناکی که با آن روبرو هستیم و ما وظیفه صراحت و صداقت انقلابی خود میدانیم که آنرا اشکار و روشن بگویم. متأسفانه باید گفت که این نخستین بار نیست که انقلابیگری به ضد انقلاب تبدیل میشود. زیرا هر کس که در اشته خود با فشاری کند مرتکب اشتباه سنگین تری میشود که سرانجام آن روشن است. ولی از تجربه تاریخ هم بهر حال باید درس گرفت. هشدار ما به همین دلیل است. بدیهی است که ما تصور باطلی در باره آنها که «متعهد» شده اند نداریم. هشدار ما بکسانی است که احساسات صادقانه و حسن نیت دارند و در جستجوی راهی برای پیروزی انقلاب ایران هستند. اینها هستند که باید بجای شکستن آینه حقیقت نما، بخود آیند و واقعیت تلخ و دردناک را ببینند. ببینند که چشمه گوارائی که با آنها وعده داده بودند، نه فقط سرابی بیش نبوده، بلکه لجن زاری است که غرق شدن در آن جز آلودگی و ناپودی سرانجامی ندارد. ببینند که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی سیاستی است ضد انقلابی و هیچگونه انقلابیگری حتی زیر نام مارکسیسم و کمونیسم هم نمیتواند در این واقعیت تلخ و دردناک تغییری بدهد. آزموده را نباید بار دیگر آزمود. م. انوشه

اسارت اقتصادی و سیاسی کشور ما افزوده گردید «سپس با تجلیل از مبارزات مردم در سال گذشته گفته میشود: «پلان و طراز نامه مبارزات مردم اکناف کشور ماتنها در اعتصاب کارگران پترو شیمی آبادان، کارگران کارخانه شهناز اصفهان، کارخانه چیت سازی ممتاز تهران خلاصه نمیشود، بلکه مقاومت های کوچک و بزرگ در کایه زمینه ها چشمگیر بود»

«پیکار جوانان در سال گذشته» عنوان مقاله دیگری از شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» است. در این مقاله از مبارزات جوانان و بخصوص دانشجویان در داخل و خارج کشور با شور تمام تجلیل شده است. در مقاله از جمله گفته میشود: «مبارزه جوانان میهن ما در همه جا چشم میخورد. در قلب کردستان، در دانشگاههای تهران، تبریز، شیراز، در وین و رم، پاریس و آلمان غربی. نام پرافتخار سلیمان معینی و اسمعیل شریف زاده و دهها جوان دیگر کرد برای همیشه در تاریخ پر افتخار مبارزات دلاورانه خلقهای ایران ثبت خواهد شد. جوانان در زندانها و سربازخانه ها، رود روی دشمن مقاومت و شجاعت بس شایسته‌ای از خود نشان دادند.»

پیگیری جوانان توده‌ای و دیگر پیکار جوانان شعله امیدو ایمان را در دل همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران فروزاتر کرد. جوانان ایران مقیم خارج با استفاده از امکانات خود برای افشای جنایات رژیم و کمک به مبارزان اسیر تلاش و پیگیری ارزنده‌ای از خود نشان دادند. در مقاله سپس چنین میخوانیم: «جوانان عضو حزب توده ایران دانشگاهیان و همه جوانان که در شرایط ترور و اختناق داخل کشور میرزمند ضمن پشتیبانی از اقدامات رفقای خود در خارج پیروزیهای بازم بشتی را برای آنان آرزو میکنند، و از همه گروهها و جمعیت های ملی و مترقی جوانان در خارج از کشور بویژه توده دانشجویان عضو کنفدراسیون دانشجویان انتظار دارد دست اتحاد و وحدت عملی که جوانان توده‌ای بسوی آنها دراز کرده اند صمیمانه بفشارند، و به کسانی که تفرقه بین نیروهای ملی و دموکراتیک را دامن میزنند امکان فعالیت ندهند.»

یکی دیگر از مقالات شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» درباره واقعیت نیمه های اجتماعی کارگران است. در این مقاله با استناد به ارقام و تکیه بر اعتراضات مسئولین امر اثبات میشود که اکثریت مطلق کارگران بخصوص در شهرستانها و از جمله دستبافان یزد قالی بافان کاشان و کرمان و خراسان اصولاً بیمه نیستند و قانون کار در مورد آنها اجرا نمیشود و عده خیلی هم که از قانون کار و بیمه های اجتماعی استفاده میکنند با هزاران مشکل مانند کیبود پز شک، فقدان دارو، دنباله در صفحه ۶